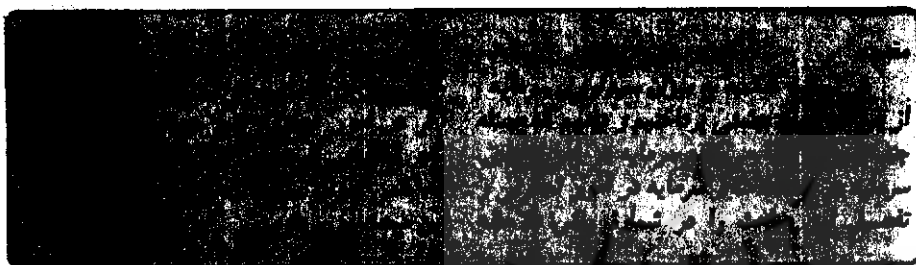


مبحث سرمایه :

گردش سود در جامعه

تورم



در این مبحث مسئله دیگری مطرح میشود و آن این مسئله است: «جبران تورم». «جبران کاهش قدرت خرید پول» یعنی «نرخ تورم».

یعنی شخصی ۱۰۰ تن برنج به یک میلیون تومان خریده، میخواهد به یک میلیون و دویست تومان بفروشد. تا دویست تومان فروخت. بعد که دوباره میخواهد برود با یک میلیون تومانش، ۱۰۰ تن برنج دیگر بخرد، به اونمیدهند! چون برنج گران شده و به او میگویند: صدتن برنج به تو نمیدهیم، ۹۹ تن میدهیم. (در واقع ارزش پول او به قیمت یک تن برنج تنزل پیدا کرده است). «این یک تن

خانه را بخرد) تکلیف این خسارت چیست؟ بنابراین مسئله‌ای مطرح میشود (مسئله اضافه شدن سود بیشتر مطرح میشود) که اینجا هم باز فرقی بین بیع و ربا نیست. اگر «نرخ تورمی» (قیمتی بیشتر از ارزش کالا) وجود داشته باشد، هم در امر «وام دادن» باید یک فکری برایش کرد، و هم در امر

«سوددهی سرمایه در گردش» است اگر ماسود سرمایه در گردش را در یک نظام اقتصادی از بین ببریم، چه بسا «نرخ تورم» قابل ملاحظه‌ای باقی نماند. اگر یک نگرش دورداشته باشیم، اینطور بنظر می آید که همه عوامل دیگر تورم ناشی از این یک عامل است. سرچشمه تورم و ریشه همه علل و عواملی که برای تورم ذکر میکنند، همین «سودسرمایه در گردش» است. یعنی سرمایه‌ای که نه ابزار تولید است و نه کالایی قابل بهره وری مثل مستغلات، صرفاً سرمایه در گردش است و برایش سود طلب میکند. اگر ما این سود ظالمانه را حذف کنیم، چه بسا همه عوامل تورم از بین برود و اصلاً تورمی باقی نماند ولی بهرحال اگر واقعا تورمی وجود داشته باشد، مامعامل آن تورم را هم به فروشنده بدهیم کار نایجابی نکرده‌ایم.

اگر سود سرمایه عامل تورم است، باید سودسرمایه از بین برود. از یک «دیدگاه» عامل اصلی تورم، سود سرمایه است. اما اگر آنطوری که ادعا میشود: این یکی از چند عامل (تورم) است، و عوامل متعدد دیگری برای تورم وجود دارد که بهرحال غیرقابل اجتناب است، در این صورت بایست اسم «جبران تورم» را «سود» بگذاریم. (در این صورت) جبران تورم چیزی از قبیل جبران خسارت ناشی از استهلاک است. (عوامل فرعی یا بروز

از نظر شرعی هیچ کس به هیچ عنوان نباید فکر کند که میتواند در کارهایش سودگراف ببرد.

اگر قرار است میدان دادن به «نرخ تورم» جامعه را خودبخود به تکاثر ببرد، باید با تورم مبارزه کرد.

«خرید و فروش». (مسئله تورم در این دو جنبه اقتصادی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. اگر قرار است که میدان دادن به نرخ تورم جامعه را خودبخود به تکاثر برد، باید با تورم مبارزه کرد.

عوامل تورم

عوامل تورم خیلی زیاد است. ولی مهم ترین عامل تورم (عامل اصلی و ریشه‌ای) همین

برنجی که از دست این شخص رفته، از کجا باید تامین شود؟ عین این مسئله در مورد «پول» هم هست. شما امروز (میخواهید از) پسرعمویتان صد هزار تومان پول قرض کنید، پسر عمویتان میخواهد این صد هزار تومان را بدهد یک خانه بخرد. اما شما میگویند من یک کار ضروری تدارم و تو مدتی صبر کن (پول را از او میگیرید) بعد از مدتی که او میرود خانه بخرد، میگویند گران شده (درحالی که قبلا میتوانست با همان صد هزار تومان

## قسمت هشتم

«امکانات بهره‌مندی» بوجود آمده کمتر از «قدرت خرید» اعطا شده به مردم باشد. والا اگر قدرت خرید اعطا شده به مردم مساوی باشد با میزان تولید بهره‌مندیها، «امکانات بهره‌مندی» تورم ندارد. مثلا سود ۱۹/۸۰۰ تومان که بدست یک سرمایه‌دار می‌افتد به او قدرت خرید میدهد در حالی که در ازاء این مبلغ، به اندازه یک تومان هم امکان بهره‌برداری اضافی بوجود نیامده. این «تورم» میشود یعنی بگونه‌ای که سبب میشود که کارگر فکر میکند که حقوقش را کامل گرفته، در حالیکه قدرت خریدش کمتر از آن مقداری است که میگیرد و این همان نزدیدن از جیب کارگر است.

### ۳- کار اضافی - سود بیشتر

آنجایی که کارگر تولیدی بجای اینکه ۸ ساعت کشاورزی کند و ۸ کیلو خیار تولید کند، ۱۲ ساعت کشاورزی کند و ۱۲ کیلو خیار تولید کند، آن ۴ کیلو تولید اضافی تورم بوجود میآورد (بخاطر کار بیشتر در مقابل سرمایه‌ای ثابت). بنابراین یک مسئله دیگر این است که ساعت کار اضافی کارگر نسبت به ساعت کار عادی‌اش برای صاحب سرمایه عملا ارزانتر تمام میشود یعنی صاحب سرمایه اگر مجموع سرمایه‌اش در روز ۸ ساعت (در گردش) کار باشد، یک بهره‌ای میبرد اگر تمام روز کار کند و اجرت عادی را به کارگر بدهد حتی مقداری هم مزد اضافه بدهد، باز آن سودی که او (سرمایه‌دار) میبرد، بیشتر است. باز آن به تورم می‌انجامد (باعث بالا رفتن ارزش پول شده است). تمام این مسائل همه برمیگردد به «سود سرمایه»، آن چیزی که مسئله ارزش اضافی را در اقتصاد و سرمایه‌داری مطرح میکند و نقش مخرب آنرا نشان میدهد همه برمیگردد به «سود سرمایه‌بازرگانی» والا سود سرمایه در شکل ابزار تولید و سود سرمایه در شکل مستغلات هرگز به مسئله ارزش اضافی مخرب منتهی نمیشود البته به این نکته توجه شود که در امر مستغلات «سرقفلی» مثل سرمایه در گردش است چون میزان خدماتی که فروشنده مستقر در تجارتخانه بازار عرضه میکند ده یا پانزده برابر میزان خدماتی است که فروشنده مستقر در تجارتخانه خیابان (مغازهای) که در خیابان قرار دارد عرضه میکند یعنی این تاجر در اینجا ده ساعت را کار میکند ولی آن تاجر خیابان همه ده ساعت را کار نمیکند تاجر اول چون بیشتر کار میکند مقدار بیشتری هم برداشت میکند ثابا برداشت بیشتر وی به مقدار زیادی به سود سرمایه برمیگردد اگر آنرا حذف کنیم تمام این رابطه‌ها حذف میشود دیگر مغازه خیابان با مغازه بازار خیلی فرق نخواهد کرد و خیلی چیزها از بین میرود.

### ۴- «انحصارات» عامل دیگر تورم

فتوی امام خمینی این است که اگر کسی چیزی ورق بزند

میگردد کارگر فکر میکند که حقوقش را کامل گرفته، در حالیکه قدرت خریدش کمتر از آن مقداری است که میگیرد و این همان نزدیدن از جیب کارگر است.

سود سرمایه یا امکانات‌های بیجا

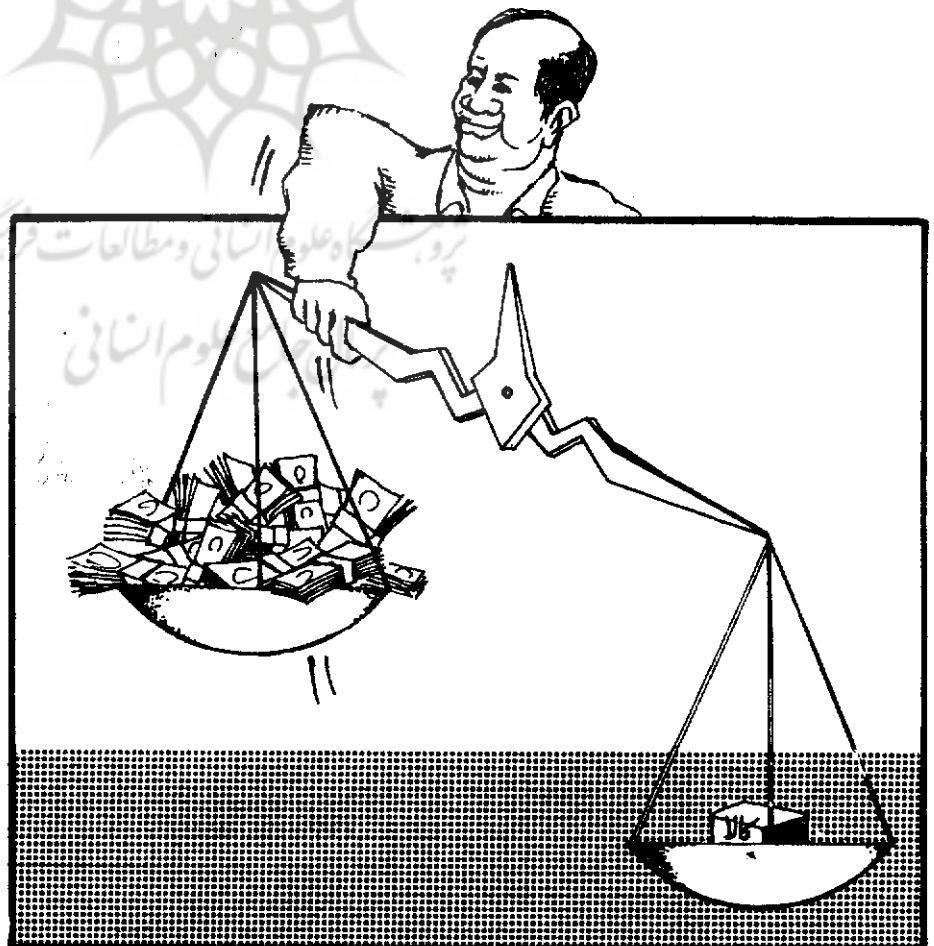
تورم در موارد ذیل است:

### ۱- بالا رفتن نرخ کالا

تمام این مسائل (مسئله تورم) به «نرخ» برمیگردد. اینکه گفتیم در تورم عوامل مختلف تاثیر دارد، یکی از این عوامل «نرخ» است. اشتباه در نرخ بندی، تورم ایجاد میکند. یعنی اگر شما سنجش ارزش یعنی نرخ را اشتباه بیندید تورم ایجاد میشود (واحد ارزش از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی است) مثلا شما برای بهره‌مندی بیشتر ده ساعت کار اضافی میکنید. اگر به اندازه همین ۱۰ ساعت حجم بهره‌مندی را در جامعه بالا ببرید، محاسبه هم طوری دقیق است که به شما طوری میدهند که به اندازه همان حجمی که بالا برده‌اید، بهره‌مند شوید.

### ۲- افزایش «قدرت خرید»

تورم همیشه ناشی از این است که میزان



را اختراع کرد. حق انحصار ندارد. (یعنی مال خودش تنها نیست) «حق تألیف» و «حق اختراع» را فتوای امام نفی می کند. ما از نظر منطبق فطری هم میتوانیم این مسئله را بررسی کنیم. واقعا این سوال مطرح است که اگر کسی اختراع کرد حق انحصار هم دارد؟ «حق انحصار» یعنی اینکه مثلا اگر شما در یک شب یک چراغ در یک پارک که زمین عمومی است روشن کرده اید و میخواهید مطالعه کنید آنوقت شخص دیگری در یک فاصله نیم متری از شما بنشیند و بخواهد از نور چراغ استفاده کند. آیا اصولا دلایل مالکیت میتواند به شما اجازه بدهد که به او بگویی چرا می نشینی مطالعه می کنی؟ اختراع هم همینطور است. اگر شما یک ماشینی اختراع کرده و به کسی کرایه دادید، آن شخص رفت و مثل آن ماشینی ساخت، آیا شما حق دارید بگویند چرا ساختی؟ خیر، ما از نظر منطبق نظری در مالکیت دلیل فطری بر نفی دیگران - در این حد - نداریم.

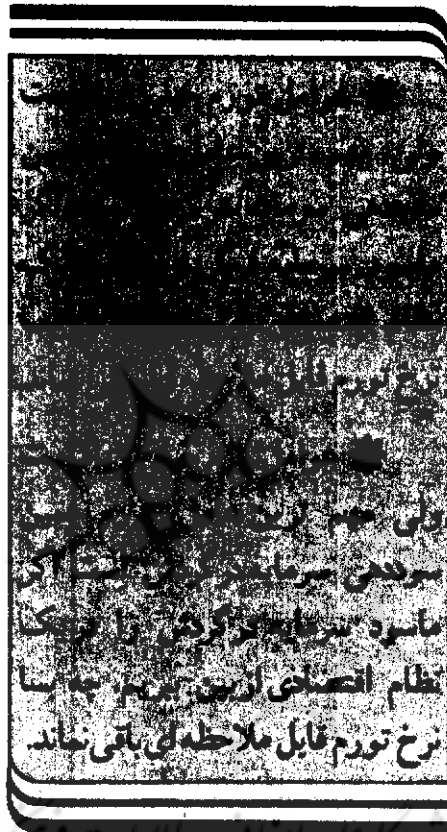
### تعیین سود خالص - تورم اجتناب ناپذیر

ما گفتیم مالکیت در یک رابطه اجتماعی غیر تولیدی و غیر مستغلانی، مثل ربا است. از نظر اقتصادی فرقی با ربا ندارد. «سود خالص» یعنی مازاد بر حق الزحمه فروشنده و دستگاه فروش به علاوه مقدار تورم اجتناب ناپذیر. سود خالص سرمایه بازرگانی تاثیری در افزایش «تولید ارزش مصرفی» ندارد و خودش هم قابل بهره وری بصورت یک ارزش مصرفی نیست. یعنی سرمایه ای که نه ابزار تولید است و نه مستغلات. این سود ظالمانه است و با ربا فرقی ندارد. چه برای بازرگان و چه برای صاحب کارخانه. صاحب کارخانه وقتی میخواهد در بیان کارخانه اش سود منظور کند میگوید من توی این کارخانه صد میلیون تومان سرمایه دارم. میبرسم این صد میلیون تومان چیست؟ میگوید ساختمان ۲ میلیون تومان، ماشین آلات ۸ میلیون تومان میشود ۱۰ میلیون تومان ۹۰ میلیون تومان هم پول مواد اولیه و اجرتی که باید به کارکنان بدهم. تا دور گردش کالا طی شود، ۶ ماه طول می کشد یعنی از وقتی که من کالای اولیه را بخرم تا وقتی که تبدیل به کالای ساخته شده بشود و بدست فروشنده بدهم و پولش را بگیرم. ۹۰ میلیون تومان باید سرمایه داشته باشم تا این چرخ بگردد» بنابراین در بیان، سود ۱۰ میلیون تومان را نمیخواهد، بلکه سود صد میلیون تومان را میخواهد. اینجا هم باز سود این ۹۰ میلیون تومان مثل سود بازرگانی است هیچ فرقی ندارد.

• تنها سود معقول و موجه یکی سود مربوط به سهم ابزار تولید در افزایش «ارزش مصرفی تولید

شده به وسیله کار» است و یکی هم کرایه مستغلات. کرایه چیزهایی که انسان میتواند کرایه بدهد. اعم از اینکه ماشین باشد ساختمان باشد، چرخ باشد خود ابزار کار را هم میتوان کرایه داد. اینهم یک نوع مستغلات است.

آن مقداری از سود بازرگان که مربوط به حق الزحمه خدماتی اش است، (در واقع) اجرت است این «سود» بازرگانی نیست و برداشت آن عیبی ندارد. آن مقدار که مربوط به نرخ اجتناب ناپذیر تورم است، آنهم مثل جریان استهلاک است (و برداشتش میتواند جایز باشد). اما مازاد بر این از نظر اقتصادی فرقی با ربا ندارد و از نظر اقتصادی قابل فهم و قابل قبول نیست.



این سیستم سرمایه داری است که به «سرمایه» نقش میدهد. وقتی ما قبول می کنیم که کسی که با پول خودش ۱۰۰ تن پرنج خریده، حق ندارد بابت سرمایه اش سودی بگیرد، بنابراین اگر ما هم پولی به او بدهیم که برود با آن کار کند، ما هم حق نداریم از او سودی بگیریم.

### ۵ - عامل دیگر تورم - مالیات های بیجا

ما این سوال را مطرح می کنیم که آیا تورم جوامع سوسیالیستی به علت ارتباط تجاری آنها با جوامع سرمایه داری است یا به علت مکانیسم غلط نقش «کار» در آنجا است؟ یعنی تورم در جوامع

سوسیالیستی آیا ناشی از این نیست که شوروی میخواهد خرج اعمار مصنوعیش را از خرج تولید کشاورزی و تولید کالاهای مصرفی در بیاورد؟ یعنی در حقیقت همان سوتی که سرمایه دار در آمریکا از سرمایه میخواهد، دولت شوروی نیز از سرمایه میخواهد. چون اگر مسئله این جور نباشد دیگر «تورمی» نیست!

در تورم ردهای سود سرمایه در گردش دیده میشود. حالا بابه صورت «سود سرمایه» یا «مالیات های بیجا».

دولت دو جور میتواند مالیات ببندد: یک جور مالیات می بندد و به ازای آن برای کارگر خدمات ارائه میدهد ولی یک جور مالیات می بندد و هیچ خدمتی به کارگر نمیدهد.

«تسلیحات اضافی» از این قبیل است. مگر اینکه امنیتی را که در مقابل تسلیحات به کارگر داده میشود واقعا عادلانه ببایم. (چون امنیت هم خرج دارد).

حالا اگر تورمی پیدا کردیم که هیچ ارتباطی به سود سرمایه نداشت (در هیچکدام از صورتهای فوق نبود)، این دیگر «سود» نیست به آن «استهلاک» گفته میشود.

این معنایش این است که «سرمایه» برای فروشنده (صاحب سرمایه) هیچ سود نمیدهد و آنچه برداشت میکند فقط «حق الزحمه» اوست. (البته با حفظ اصل سرمایه). سرمایه میان مالک و یک شینی ارتباط برقرار میکند و حق استفاده و تصرف در آنرا به مالک میدهد و هم چنین حق جلوگیری از تصرف دیگران را هم به او میدهد. ولی «حد» آنها چیست؟

از نظر شرعی هیچ کس به هیچ عنوان نباید فکر کند که میتواند در کارهای سودگزار سودگزاران را از کار بیرون کند. طبق نصوص قطعی اسلامی ما خلاف انصاف است ولی در حد متوسط اگر بهره مند شد، خلاف انصاف نیست.

یک مغازه که از آن هرگونه استفاده سکونتی میشود کرد، سود «سرمایه مستغلانی» دارد و برداشت آن از نظر منطقی اشکالی ندارد. برای اینکه واقعا یک مقدار ارزش مصرفی جاری در اختیار مردم گذاشته است.

### کاهش تورم - نرخ بندی عادلانه

اجاره در جامعه موجب افزایش تولید است. یعنی مردم تشویق میشوند به اینکه بروند و زحمت بکشند و مغازه بسازند و وقتی مغازه زیاد ساختند نرخ کرایه هم یک نرخ نازلی خواهد بود. این مکانیسم نرخ است و یک مکانیسم پیچیده ای است. بعقیده من تمام زشت و زیبای سیستم های اقتصادی بر میگردد به سیستم مربوط به دست یافتن بر عادلانه ترین نرخ. بقیه در صفحه ۷۱

## شیخ فضل الله.....

ماند»

(مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ج ۳)  
میرزا محمدخان قزوینی در یادداشت‌هایی بر کتاب «انقلاب ایران» تالیف ادوارد براون مینویسد:  
«گفته میشود هنگامیکه شیخ فضل... در خطر مرگ بوده، روسها به او پیشنهاد کردند که پرچمشان را بر پام خانه‌اش بزند تا از هر گونه گزند ایمن باشد یا اینکه در سفارت روس پناهنده شود. اما شیخ زیربار این ننگ نرفته و جواب داد: «کشته شدن را به این کار ترجیح میدهم»  
کسیکه به این درجه شجاعت و شهامت داشته و تا این اندازه آبروی اسلام و روحانیت را پاس دارد، آیا چنانکه مخالفانش ادعا میکنند میتواند؛ تنها بخاطر جاه‌طلبی یا حسادت شغلی یا پول گرفتن از دربار یا سفارت روس دست به کاری بزند؟ وی مسیر شهادت را آگاهانه انتخاب کرد تمامی اتهامات و افتراات دشمنان را با خون خود پاسخ گفت و ثابت کرد که مخالفت وی با مشروطه نه بخاطر اتقایی

دربار یا روس بلکه بخاطر اسلام بوده و نیز مخالفت وی یک مخالف اصولی و مکتبی بوده است. زمان نیز ثابت کرد که ارزیابی شیخ در باره مشروطه و سران مشروطه به عنوان «نیروی ضداسلامی» که وابسته به انگلیس کاملاً درست بوده و تقی زاده‌ها و فروغی‌ها زمینه‌ساز و دستیار رضاخان‌ها از آب درآمدند.

اظهارات شیخ فضل... در آخرین لحظات عمرش، در پای چوبه دار، و آن شهادتی که بهنگام مواجه شدن با مرگ از خودنشان داد، نمایانگر ایمان وی به حقانیت مواضعش می‌باشد.

در پایان مقاله را با جملاتی از میرزاخان قزوینی در یادداشت‌هایی که بر کتاب «انقلاب ایران» براون نوشته است به پایان می‌بریم. وی نقل میکند: «هر روز دادرسی او فقط گفت: اینها (یعنی قضاوت و نابودکنندگان وی) آیا در روز قیامت جواب مرا خواهند داد؟... سپس بدون ترس با عراسی، خطاب به دژخیمان که برای انجام تکلیف منتظر او

بودند گفت: «کار خود را بکنید» پس با عمامه و عبا آویخته شد»

تنها کسی میتواند چنین جانانه جان بدهد که دست به مبارزات اصولی زده و دست کم بر حقانیت مواضع خودایمان داشته باشد.

والسلام

(۱) - م - ق هدایت: خاطرات و خطرات ص ۲۰۴

بعنوان نمونه اعتراف دشمنان نیز رجوع شده به: شرح حال رجال ایران نوشته مهدی بامداد (ج ۳) و «انقلاب ایران» تالیف ادوارد براون

(۲) برای دریافت کم و کیف سخنان غریب‌زبان

در این مورد به کتاب «قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی» نوشته مصطفی رحیمی انتشارات امیرکبیر و کتاب «تفسیر قانون اساسی ایران» نوشته مرتضی راوندی، انتشارات مشرقی تهران رجوع شود

## گردش سود.....

نرخ عادلانه مطلق تا امروز در جامعه بشری تحقق پیدا نکرده است نه در سیستم‌های مارکسیستی و نه در سیستم سرمایه داری و نه در اسلام.  
نرخ عادلانه مکانیسم می‌خواهد و اینکار علم اقتصاد است. عامل اخلاق عامل خیلی مهمی است ولی باز عامل علمی را نمیشود از نظر دور داشت.

### خلاصه بحث

خلاصه بحث تا اینجا این است که؛ اصل «سودسرمایه» در شکل ابزار تولید ولو بمقدار بسیار

ناچیز از نظر منطقی قابل قبول است. اصل «سودسرمایه» در شکل مستغلات ولو بمقدار بسیار ناچیز از نظر منطقی قابل قبول است. سود خالص سرمایه غیر تولیدی و غیر مستغلاتی و نظیر آن به هیچ عنوان قابل قبول نیست. منظور از «سودخالص» یعنی سود کلی صرف نظر از اجرت خدماتی بازرگان و امثال آن و صرف نظر از نرخ تورم اجتناب ناپذیر. غیر از این اگر تورمی داشته باشیم، سود آن از نظر اقتصادی با ربا فرقی ندارد.  
پس سودسرمایه بازرگانی آن مقدار که مربوط

به اجرت خرید و فروش است بارها فرق دارد، فقط آن مقدار که منحصر برمیگردد به سودخالص این سرمایه عقیم، مثل ربا است.

(سرمایه ابزار تولید عقیم نیست، زاینده است. سرمایه مستغلاتی عقیم نیست، بهره دهنده است. سرمایه بازرگانی عقیم و بی ثمر است) سود سرمایه که در شکل یک شینی بی ثمر عقیم است عبارتست از «سرمایه بازرگانی»، یا «سرمایه در گردش دستگاههای تولیدی» انهم مثل سودبازرگانی است. اینها عموماً مثل ربا هستند و هیچ توجیه اقتصادی ندارند. ادامه دارد

## صنایع دستی.....

قابل تحویل است و مورد استفاده جهت حمل مجروح و مهمات بکمک نفر و موتورسیکلت دارد. این دستگاه با کمی تغییر جهت حمل محصولات کشاورزی در مزارع مساعد است.  
۸- دستگاه ترانس جوش ۲۵۰ آمپر سالی ۸۰۰ دستگاه.

۹- خرید دستگاههای منبع سازی - لبه زنی و کاسه زنی ۱۰ دستگاه درسال.  
۱۰- جعبه زنبور عمل ۱۰ هزار عدد درسال.  
۱۱- ماشین جوجه کشی ۱۰۰ تانی ۴ تا ۵ هزار دستگاه درسال.  
۱۲- کارخانه بیخ سازی از ۲ تا ۱۰ تن در روز

درسال ۱۲۰ دستگاه قابل تحویل است.  
۱۳- سردخانه درماه ۲۰۰ مترمکعب قابل تحویل است.  
۱۴- کارخانه پودرماهی.  
۱۵- کارخانه رب گوجه فرنگی ۱۰ دستگاه درسال.

۱۶- سوله و نصب سوله.  
۱۷- درب و پنجره چوبی.  
۱۸- تخته سه لانی ۳۰۰۰ مترمربع درماه.  
۱۹- قالب تیرسیمانی ۱۰۰ قالب درماه.  
۲۰- قالب سازی اگر نمونه داده شود.  
۲۱- ایجاد کارگاههای تراش کاری ۱۰ واحد

درسال.  
۲۲- ایجاد کارگاههای ریخته گری ۲۰ واحد درسال.  
۲۳- دستگاه بسته بندی خرما.  
۲۴- ساخت و نصب دارقالی.  
۲۵- کارخانه تولید فرم آتش نشانی.  
۲۶- تولید گچ.

ضمناً در مورد ساخت وسائل کشاورزی با کمیته کشاورزی هماهنگی خواهد شد. همچنین اگر اطلاعات بیشتری در این زمینه خواسته شود بعداً در اختیار گذاشته می‌شود.